



سلوک و سیاسی اجتماعی مبلغان



اهتمام به امور مسلمین

رحیم کارگر

عظوفت آنان دست خالی باز نمی گشته است.

اهتمام به امور مسلمین، تلاش جدی و مستمر برای رفع حوائج و مشکلات و مجاهدت برای مردم و خدمت به آنان، از نظر مقام معظم رهبری، وظیفه و تکلیف مهم مبلغان و علمای دینی است.

ایشان می فرمایند: «تکلیف دوم [مبلغان]... تکلیف مجاهدت برای مردم است. اگر انقلاب پیروز هم نشده بود، این تکلیف بود. همیشه علمای ما برای مردم کار و تلاش می کردند، زحمت می کشیدند، فقرا را پاسداری

یکی از انگاره های مهم در «سلوک اجتماعی مبلغان»، اهتمام و توجه ویژه آنان به امور اجتماعی و نیازهای مردم، فایده و نفع رسانی به آنان، برآوردن حاجت های ضروری ایشان، خدمت کردن به متدینان و مؤمنان، فعالیت و کوشش در امور خیر و... است. این آموزه مهم دینی - اجتماعی، جایگاهی بس والا در قاموس تبلیغی - ارشادی پیامبران، اولیا و عالمان دینی دارد و آنان همواره ملجأ و پناهگاه نیازمندان، محتاجان، محرومان، ستمدیدگان، قرض داران، پابرهنگان و... بوده اند و کسی از درگاه کرم و

می کردند، به آنها رسیدگی می کردند. دأب و روش علما این بود... دأب اصلی بر این بود که به فقرا و طبقات ضعیف کمک کنند و برای حفاظت از آنها، در مقابل زورگو بایستند؛ در مقابل خان بایستند؛ در مقابل سلطان بایستند. اصلاً علمای ما... همیشه به این معنا معروف بوده اند... این دأب علمای شیعه و علمای امامیه بود که با ضعفاً خوب بودند و به آنها کمک می کردند و با حکومت‌های طاغوت و قدرتمندها در می افتادند.^۱

امام راحل رحمه الله نیز می فرمود: «اساساً انبیای خدا علیهم السلام مبعوث شدند برای خدمت به بندگان خدا؛ خدمت‌های معنوی و ارشاد و اخراج بشر از ظلمات به نور و خدمت به مظلومان و ستم‌دیدگان و اقامه عدل؛ عدل فردی و اجتماعی. شما (مبلغان و علما) که خود را پیروان اصحاب وحی و اولیای عظیم الشأن می دانید و بحمدالله هستید، خود را جز خدمتگزار به ملت‌های ستم‌دیده ندانید.^۲»

نکته مهم و قابل توجه اینکه، مبلغان راستین دین، تنها برای جلب

رضایت خدا و تقرب به او، به یاری نیازمندان پرداخته و در سختیها و مشکلات، حامی و پشتیبان آنان بوده اند، نه به عنوان یک استراتژی و برنامه تبلیغی.

مبلغان و مبشران مسیحی با اقدامات انسان دوستانه و خیرخواهانه، تظاهر به خوبی کرده و در صدد جلب نظر مردم و تشویق و ترغیب آنان به پذیرش دین خود هستند و در برخی از مناطق - بخصوص در آفریقا - موفقیت‌هایی را نیز به دست آورده اند، اما هدف آنها از این کارها فقط رسیدن به اهداف تبلیغی و مسیحی کردن مردم است، نه رسیدن به رضایت الهی؛ اما مبلغان شیعه، خدمت به مردم و اهتمام به امور آنان را تنها برای خدا و انجام وظیفه دینی انجام می دهند و به همین دلیل، خدمت و تلاش و یاری دلسوزانه و خالصانه آنان، مؤثرترین و بهترین راه تبلیغ نیز می باشد.

۱. حدیث ولایت، ج ۹، ص ۱۰۳ و ۱۰۴.

۲. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۴۳.

حاجتهایشان، کوشا تر باشد.»
 آن حضرت همچنین می فرماید:
 «الْمُؤْمِنُونَ فِي تَبَاؤِهِمْ وَتَرَأَحْمِهِمْ وَتَعَاظِفِهِمْ
 كَمِثْلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى تَدَاعَى لَهُ سَائِرُهُ
 بِالشَّهْرِ وَالْحَمَى؛^۳ اشخاص با ایمان در
 نیکی نمودن و رحمت و عطف و فتشان به
 یکدیگر مانند یک پیکرند که چون
 عضوی از آن به درد آید، سایر اعضا با
 بیداری شب و تب، او را همراهی
 می کنند.»

با توجه به این دو روایت و
 روایات فراوان دیگری که در این باب
 وجود دارد، بایسته است که مبلغان
 دینی - که پرچمدار فضایل انسانی و
 مکارم اخلاقی هستند - توجه و اهتمام
 وافری به امور مسلمین و احسان و
 نیکی به آنان داشته باشند. تاریخ نیز
 شاهد این است که عالمان سترگ دین،
 همواره از خود می گذشتند و به
 دیگران می پرداختند.

امور مسلمین شامل امور
 اجتماعی و فردی؛ معنوی و مادی؛

صاحب دلی به مدرسه آمد ز خانقاه
 بشکست عهد صحبت اهل طریق را
 گفتم میان عالم و عابد چه فرق بود
 تا اختیار کردی از آن، این فریق را
 گفت: آن گلیم خویش به در می برد ز موج
 و این جهد می کند که بگیرد غریق را
 (سعدی)

اهتمام به امور مسلمین

پیامبر اکرم ﷺ فرموده است:

«مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ
 فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا ينادي يا
 للمسلمين فلا يجنبه فليس بمسلم؛ کسی که
 صبح کند در حالی که به امور مسلمین
 اهتمام نداشته باشد، مسلمان نیست. و
 کسی که صدای شخصی را بشنود که
 فریاد می زند: ای مسلمانان! [به فریادم
 برسید] و او را اجابت نکند، مسلمان
 نیست.»

از امام صادق عليه السلام نیز نقل شده
 است: «قَالَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ الْخَلْقُ عِيَالِي،
 فَأَحْبِبُّهُمْ إِلَيَّ الطَّيِّبُ بِهَمِّهِمْ وَأَسْأَلُهُمْ فِي
 حَوَائِجِهِمْ؛^۲ خداوند عز و جل فرمود:
 مردم روزی خواران من هستند، پس
 محبوب ترین آنان نزد من کسی است
 که نسبت به آنان مهربان تر و در رفع

۱. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵۲۰.

۲. کافی، ج ۳، ص ۲۸۵، ح ۱۰.

۳. مستدرک الوسائل، ص ۴۱۰.

[است] که در جامعه‌ها مظلوم و بی‌پناهند؛ هر چه توان داری در خدمت اینان - که بهترین زاد راه تو است و از بهترین خدمت‌های به خدای تعالی و اسلام عزیز است - به کار بر و هر چه می‌توانی در خدمت مظلومان و حمایت آنان در مقابل مستکبران و ظالمان کوشش کن»^۱.

یکی از نزدیکان امام راحل می‌گوید: «بخشی از زیباترین فراز زندگی امام، چگونگی ارتباط و علاقه امام با مردم است... علاقه امام به مردم یک علاقه عادی نیست؛ یک عشق است، همان گونه که خداوند درباره علاقه پیامبر ﷺ به مردم می‌فرماید: «حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ» امام برای مردم می‌سوزند و مانند یک پدر مهربان همیشه برای فرزندان پاک خود، سعادت آرزو می‌کنند. امام بارها در کنار تلویزیون - که صحنه‌های دلخراش فقر و محرومیت نشان داده می‌شود - گریه کرده‌اند...^۲»

* فقیه پارسا، آیه الله صالحی

سعادت اخروی و خوشبختی دنیوی؛ امور عبادی و اقتصادی؛ امور سیاسی و اجتماعی می‌شود و مبلغان آگاه و بیدار دل چون خورشیدی تابناک، بهره‌های فراوانی برای مؤمنان در همه این زمینه‌ها دارند و با تمسک به گفتار خاندان وحی و امامت و الگو گرفتن از سیره درخشان آنان، هیچ وقت از حال مسلمین غفلت نمی‌ورزند و خود را از آنان جدا و بیگانه نمی‌دانند. آنان از اعتبار و شخصیت خود مایه می‌گذارند تا مشکلی از گرفتاران را حل کنند و تلاش و مجاهدت می‌کنند تا کانون فعالیت‌های خیرخواهانه و نوع دوستانه باشند.

عالمان خدمتگزار

* امام خمینی رحمته الله علیه نمونه کاملی از عالمان پرهیزگار و مردم‌دار بود که در تمام لحظات زندگی پربرکت خود، به فکر مردم و خدمت و مجاهدت برای آنان بود. ایشان در توصیه اخلاقی - عرفانی به فرزندش، چنین می‌نگارد: «از امور مهمی که لازم است

وصیت نمایم، اعانت نمودن به بندگان خدا، خصوصاً محرومان و مستمندان

۱. سیره آفتاب، ص ۳۶.

۲. سیمای فرزندان، ص ۳۴۵.

تایستان، برای هر گونه کار شرعی و حاجتی که مردم داشتند، می‌شتافت و در راه انجام دادن این وظایف و خدمات، آنچه را که در نظر نداشت، فقط خودش بود. مثلاً پیش می‌آمد که گاهی بعد از نیمه شب در خانه او را می‌زدند و اهل خانه را با وحشت از خواب بیدار می‌کردند. می‌دیدند که کسی است از خانه‌ای آمده و می‌گوید: فلانی در حال احتضار است؛ آقای حاج آخوند به بالینش بیایند. فوراً، بی تأمل و بی کمترین اکراه، مانند پرندۀ سسبکبالی بر می‌خاست، وضو می‌گرفت و می‌رفت...^۲»

* درباره عارف پارسا آیه الله احمدی میانجی نیز گفته شده است: «سخاوت و مساعدت او به مردم بی‌بضاعت و نیازمند، زیانزد همگان شده بود؛ چنان که بارها از علمای بزرگ شنیده شد که، مسجد آیه الله احمدی میانجی، پناهگاه نیازمندان است. امکان نداشت کسی نیازمند باشد و دست خالی از آنجا برگردد. او

مازندرانی در مورد رسالت عالمان دین چنین می‌فرمود: «فقیه باید درد آشنا باشد. با جامعه و مردمش زندگی کند. فقیه آن است که همه خیرش را به روی مردم، سیل آسا - نه نم نم و نه کم کم و اندک اندک - بلکه سیل آسا و دریا گونه و آبشار گونه بریزد که هم سعادت دنیای مردم تأمین شود و هم سعادت آخرتشان. فقیه از غم مردم غمگین می‌شود و از رنج آنها رنجیده و گاهی از غصه آنها دق می‌کند و می‌میرد. و جا دارد که انسان از غصه‌هایی که بر ملت اسلام وارد می‌شود بمیرد!»

* در شرح حال عالم فرزانه، آخوند ملاعباس تربتی نوشته‌اند: «او خود مرجع تظلم مردم و خانه‌اش دادگستری و پناهگاه آنان بود. مردم از دست حکام و خوانین به او تظلم می‌کردند و او با قدرت معنوی خود به شکایت آنان رسیدگی می‌کرد. خود را می‌کشت و به آب و آتش می‌زد تا به مردم خدمت کند و حاجتی را از کسی برآورد و گرهی از کاری بگشاید... او در تمام ۲۴ ساعت شب و روز - حتی بعد از نیمه شب زمستان و در نیمه روز

۱. فقیه صالح، ص ۱۸۲.

۲. فضیلهای فراموش شده، ص ۲۴ و ۱۰۶.

مردمی بود و به مردم عشق می ورزید و با مردم می جوشید و خدمت به آنها را بهترین عبادت می دانست.^۱

ایشان درباره پدر خود نیز گفته بود: «در طول سال به کارهای شرعی مردم، تبلیغ احکام و رفع منازعات و اصلاح بین الناس می پرداخت... من در ایشان حرص در دنیا و حسد در ممنوع را ندیدم؛ بلکه برعکس، خدمت به ممنوع و احترام را لازم می دید و در حوائج مردم، کوشش می کرد.»^۲

گونه های اهتمام به امور مسلمین
یک. خدمت و مساعدت به مردم

خدمت رسانی و مساعدت به مردم، جایگاه والایی در فرهنگ دینی و روایات اهل بیت علیهم السلام دارد. امام صادق علیه السلام می فرماید: «الْمُؤْمِنُونَ خَدَمَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ، قَالَ الرَّاَوِيُّ: قُلْتُ: وَكَيْفَ يَكُونُ خَدَمَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ؟ قَالَ: يُفِيدُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا؛^۳ اشخاص با ایمان، خدمت گزار یکدیگرند. راوی سؤال کرد: چگونه خدمت گزار یکدیگرند؟ امام علیه السلام فرمودند: به یکدیگر فایده می رسانند.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِنَّمَا مُسْلِمٌ خَدَمَ قَوْمًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا أَعْطَاهُ

الله مِثْلَ عَدَدِهِمْ خُدَامًا فِي الْجَنَّةِ؛^۴ هر مسلمانی که برای جماعتی از مسلمین خدمت گزاری کند، خدا به شماره آنها در بهشت به او خدمت گزار دهد.»

علما و دانشمندان به این امر سزاوارترند؛ چون ادامه دهندگان راه پیامبران و خادمان دین و شریعت هستند و خواسته دین نیز خدمت معنوی و مادی به مردم دیندار و پاک نهاد است؛ چنان که عیسی بن مریم علیه السلام گفته است:

«إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِالْخِدْمَةِ الْعَالِمُ؛^۵

همانا سزاوارترین مردم به خدمت کردن، عالم است.»

امام خمینی علیه السلام همواره می فرمود: «تأسیات دارم خدمت گزار هستم؛ خدمت گزار ملت های اسلامی، خدمت گزار ملت بزرگ ایران، خدمت گزار دانشگاهیان و روحانیون، خدمت گزار همه قشرهای کشور و

۱. اسوه پارسایان، ص ۴۰.

۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۹/۶/۲۶.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۱۱.

۴. کافی، ج ۳، ص ۲۹۶، ح ۱.

۵. همان، ج ۱، ص ۴۵، ح ۶.

آمده است: او عاشق خدمت به مردم بود. برای حاج آخوند هیچ تفاوتی نداشت که، آن که وی را دعوت می‌کند (برای امر شرعی)، خان یا شاهزاده یا تاجر ولایت باشد، یا فقیر پینه دوزی که در گوشه‌ای از کوچه‌های پایین شهر در کلبه فقیرانه زندگی می‌کند. دعوت همه را یکسان می‌پذیرفت و واجب می‌دانست که برود و احکام خدا را به گوش آنها برساند. اگر دردمند و غمزه‌اند، آنها را دل‌داری دهد و اگر سرکش‌اند، آنها را موعظه کند و اغنیا را وادارد که وجوه شرعی خود را بدهند و از آن محل به فقرا کمک برسانند... پادشاه خود را فقط این بداند که خدا از او راضی باشد... می‌خواست اندکی بخوابد، در خانه را می‌زدند و گاه می‌شد که این، نیمه روز تابستان بود و فرزندان ایشان می‌خواستند جواب ندهند تا این مرد (حاج آخوند)، اندکی

همه قشرهای کشور اسلام و همه مستضعفین».^۱

ایشان برای فرزند گرامی‌اش می‌نگارد: «پسرم! از زیر بار مسئولیت انسانی - که خدمت به حق در صورت خدمت به خلق است - شانه خالی مکن که تاخت و تاز شیطان در این میدان، کمتر از میدان تاخت و تاز در بین مسئولین و دست‌اندرکاران نیست».^۲

در باره شیخ رجبعلی خیاط نوشته‌اند: وی معتقد بود که، ما باید همان‌گونه در خدمت مردم باشیم که امامان ما و اولیای الهی بودند. آنان هدفی در خدمت جز خداوند متعال نداشتند. خدمت آنان به مردم، برای خدا و به عشق او بود».^۳

وی در پاسخ کسی که نصیحتی خواسته بود، گوشش را گرفت و فرمود: خدمت به خلق! خدمت به مردم!^۴

شیخ رجبعلی خیاط معتقد بود: راه محبت خدا، محبت به خلق خدا و خدمت به مردم، بخصوص انسانهای مستضعف و گرفتار است.^۵

در باره آخوند ملاعباس تربتی نیز

۱. مجله حوزه، ش ۴۱.

۲. کیمیای محبت، ص ۲۱۸.

۳. همان.

۴. تندیس اخلاص، ص ۷۸.

۵. کیمیای محبت، ص ۱۷۲.

راه محبت خدا، محبت به خلق خدا و خدمت به مردم، بخصوص انسانهای مستضعف و گرفتار است.

خدمت‌گزار مردم بود و ساعت خاصی برای ملاقات نداشت. هر کس در هر موقع از روز یا شب برای دیدارش و یا حاجتی مراجعه می‌کرد، با آغوش باز و گشاده از وی پذیرایی می‌کرد. چه بسا اتفاق می‌افتاد معظم له مشغول استراحت بود و اشخاصی برای رفع حاجت یا استخاره مراجعه می‌کردند، ایشان احساس خستگی و ناراحتی نمی‌کرد و تا آنجا که امکان داشت در رفع نیازهایشان می‌کوشید.^۳

ادامه دارد...

استراحت بکند که ناگهان خودش عبا را پس می‌زد و می‌گفت: ببینید کیست؟ و او کسی بود که یا برای ادای نماز بر جنازه میتی به دنبال مرحوم حاج آخوند آمده بود یا دعوت به مجلس دیگری، حاج آخوند بی‌تأمل برمی‌خاست و می‌گفت: شما بروید، من خودم می‌آیم. او تجدید وضو می‌کرد و می‌رفت^۱».

در شرح زندگی آیه الله سید نصرالله موسوی نیز آمده است: «او در خدمت به مردم و یاری دین، شب و روز نمی‌شناخت و چون روحیه‌ای زاهدانه داشت، روح خدمت و کمک او بدون توجه به ظواهر دنیوی، مخلصانه انجام می‌گرفت. تبلیغ دین و نشر احکام اسلام را سرلوحه کارها و زندگی خویش قرار داده بود و در همه جا و در هر محفلی مقید بود ارشاد و هدایتی انجام گیرد... مردم خیلی عجیب به وی ارادت داشتند. خلوص و تقوا و مردم داری و بی‌تکلفی او شاید بالاترین عامل چنین علاقه‌ای بود...^۲».

عالم ربّانی آیه الله کوهستانی،

۱. فضیلت‌های فراموش شده، ص ۱۰۷ و ۱۰۸.

۲. قصه‌های خواندنی از چهره‌های ماندنی، ص ۲۱۲ و ۲۱۳.

۳. بر قلّه پارسایی، ص ۱۴۳.